



دروس تمهیدیه فی الفقه الاستدلالی

«فقه ۳»

رشته تفسیر و علوم قرآن

کتاب الاطعمة و الاشرية

درس ۱۱

استاد: حجت الاسلام والمسلمین ترابی

آموزشیار: آقای مصطفی عسگری

مقدمه

آیین مقدس اسلام، نسبت به خوردن و آشامیدن انسان، همانند بسیاری از دیگر شؤون زندگی وی حساس بوده و برای خوراکی ها و نوشیدنی ها احکام و دستورات خاصی وضع کرده، و لذا ملاحظه می شود که بخشی از فقه اسلامی به تبیین احکام خوراکی ها و نوشیدنی ها اختصاص یافته است. این بخش از فقه که از آن به عنوان «احکام اطعمه و اشربه» یاد می شود به دنبال بیان نوع حلال و حرام خوردنی ها و آشامیدنی ها از دیدگاه اسلام است. مباحثی که در این نوشتار و نیز درس های دیگر مورد بررسی و کنکاش قرار می گیرد ناظر به احکام اطعمه و اشربه و ادله آن می باشد.

متن درس

كتاب الأطعمة و الأشربة

١- حيوان البحر

٢- حيوان البر

٣- الطيور

٤- ما يحرم من الحيوان المذبوح

٥- التحريم الطارئ

افراد ما يحرم تناوله: ما يحرم تناوله تارة يكون من الحيوان و اخرى من غيره. و نقصر الحديث - خوف الاطالة - على الاول. و الحديث يقع تارة عن حيوان البحر، و اخرى عن حيوان البر، و ثالثة عن الطيور، و رابعة عما يحرم من الحيوان المذبوح، و خامسة عن التحريم الطارئ على الحيوان في حالات معينة.

١- حيوان البحر

كل حيوان يعيش في الماء محرم ما عدا قسمين: السمك الذي فلس^١، و الطيور المائية. و اذا شك في وجود الفلس بنى على الحرمة. اما اذا شك في فلسية الموجود بنى على الحلية. و المستند في ذلك:

١- اما انحصار الحلية في الحيوانات التي تعيش في الماء بما تقدم فمرجعه الى دعويين:

الاولى: حلية السمك الذي له فلس، و الطيور المائية.

الثانية: حرمة ما عدا ذلك.

اما بالنسبة الى الدعوى الاولى فيدل عليها امران:

أ- التمسك بأصل الحل - الذى هو الاصل الاولى في الاشياء - المستند الى مثل قوله تعالى: قل لا اجد فى ما اوحى الىّ محرماً على طاعم يطعمه إلا ان يكون ميتةً أو دماً مسفوفاً أو لحم خنزير.....^٢، و قوله صلى الله عليه و آله: «رفع عن امتي... ما لا يعلمون»^٣، و غير ذلك.

ب- الروايات الخاصة، كصححة محمد بن مسلم عن ابي جعفر (عليه السلام): «قلت له: رحمك الله انا نؤتى بسمك ليس له قشر فقال: كل ما له قشر من السمك، و ما ليس له قشر فلا تأكله»^٤ و غيرها. هذا بالنسبة الى السمك. و اما الطيور فيأتى التحدث عنها تحت عنوان الطيور إن شاء الله تعالى.

^١. و قد عبّر عن الفلس فى الروايات بالقشر.

^٢. الانعام: ١٤٥.

^٣. وسائل الشيعة، ج ١١، ص ٢٩٥، الباب ٥٦ من أبواب جهاد النفس، الحديث ١.

^٤. وسائل الشيعة، ج ١٦، ص ٣٩٧، الباب ٨ من أبواب الأطعمة المحرمة، الحديث ١.

و اما بالنسبة الى الدعوى الثانية فهي متسالم عليها بين الاصحاب و ان نسب صاحب الجواهر الى بعض متأخري المتأخرين الوسوسة في ذلك بل الميل الى الحل في الجملة . و ربما ينسب ذلك الى الشيخ الصدوق أيضا و لكنه لم يثبت.^١

و على اى حال يمكن التمسك لذلك بموثقة عمار بن موسى الساباطى عن ابي عبدالله (عليه السلام): «سألته عن الريثا فقال: لا تأكلها فانا لا نعرفها في السمك يا عمار»^٢ ان قلت: ان الريثا التي هي مورد الموثقة قد وردت روايات تدل على حليتها من قبيل صحيحة محمد بن اسماعيل بن بزيع : «كتبت الى ابن الحسن الرضا (عليه السلام): اختلف الناس على في الريث فما تأمرني به فيها؟ فكتب (عليه السلام): لا بأس بها»^٣ و لازم ذلك حمل النهي عن أكلها على الكراهة، و معه فكيف يتمسك بالتعليل؟

^١ . جواهر الكلام، ج ٣٦، ص ٢٤٣.

^٢ . وسائل الشيعة، ج ١٦، ص ٤٠٨، الباب ١٢ من أبواب الأطعمة المحرمة، الحديث ٤.

^٣ . وسائل الشيعة، ج ١٦، ص ٤٠٧، الباب ١٢ من أبواب الأطعمة المحرمة، الحديث ٣.

احکام عمومی اطعمه و اشربه

اطعمه و اشربه در لغت

در لغت عرب به چیزی که جامد باشد و با خوردن آن گرسنگی برطرف گردد طعام (خوردنی) و به چیزی که مایع باشد و نوشیده شود «شراب» (نوشیدنی و آشامیدنی) گفته می‌شود. اطعمه جمع طعام و اشربه جمع شراب است.^۱

تقسیم اباحت

خوردنی‌های حرام، ممکن است از حیوان باشد یا از غیر حیوان. موضوع حیوانات هم به پنج بخش تقسیم می‌شود: ابتدا حیوانات دریایی؛ سپس حیوانات خشکی؛ و بالاخره پرندگان. بعد از آن به اعضای از حیوان حلال گوشت، که خوردن آن جائز نیست می‌پردازیم و آخرالامر هم حرمت عارضی در حیوانات مورد بحث قرار می‌گیرد.

۱. حیوان دریایی (آبی)

در میان حیوانات مربوط به دریا و آب، دو دسته هستند که خوردن آنها جایز است:

الف) ماهیانی که دارای پولک یا فلس باشند.

ب) مرغان دریایی.^۲

در مورد ماهیان

چند قانون کلی در مورد ماهیان:

قانون اول: خوردن ماهیان پولک دار حلال است.

قانون دوم: اگر در وجود پولک در ماهی شک شد بنابر حرمت گذاشته می‌شود؛ زیرا اصل، عدم وجود فلس است. بنابراین اگر شک شد که ماهی موجود ذاتاً پولک دارد یا نه، بنابر عدم فلس و در نتیجه حرمت آن ماهی گذاشته می‌شود؛ زیرا اصل عدم وجود فلس است مگر زمانی که یقین به وجود آن پیدا شود.

قانون سوم: در ماهی‌ای که چیزی وجود دارد و پولک بودن یا نبودن آن معلوم نیست، حکم به حلیت آن ماهی می‌گردد.

استدلال بر سه مطلب مذکور

۱. حلال بودن ماهیان پولک‌دار، و حرام بودن سایر آبزیان:

دو دسته دلیل داریم که دسته اول دلالت بر حلیت ماهیان فلس دار، و دسته دوم دلالت بر حرمت سایر آبزیان می‌کند:

دسته اول: اصالة الحل، روایات خاصه:

الف) اصالة الحل: ماهیانی که دارای پولک هستند طبق قانون کلی «اصالة الحل» حلال هستند. اصل اولی در اشیاء حلیت آنها است.

^۱ . رک: العین، ذیل ماده ط ع م.

^۲ . خصوصیات و بحث پرندگان بعداً ذکر خواهد شد.

مستند اصالة الحل آیات و روایاتی است مثل آیه ۱۴۵ سوره انعام، و حدیث رفع از پیامبر (صلی الله علیه و آله) و^۱

در آیه مذکور، خداوند موارد حرام از خوردنی ها را بر می شمارد به نحوی که غیر از آن موارد، هر چه باشد حلال باشد. در حدیث رفع نیز پیامبر (صلی الله علیه و آله) می فرماید: چیزی که امت من آن را نمی دانند از دوششان برداشته شده است. پس وقتی دلیل بر حرمت چیزی در دسترس نبود تکلیفی نیست و باید حلال باشد.

(ب) **روایات خاصه:** روایاتی موجود می باشد که دلالت بر حلیت ماهی فلس دار می کند مثل صحیحہ محمد بن مسلم که طبق آن، امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «هر ماهی ای که پولک داشته باشد بخور و هر ماهی ای که پولک نداشته باشد از آن اجتناب کن.»

تطبیق

کتاب الأَطْعَمَة و الأَشْرَبَة

۱- حیوان البحر

۲- حیوان البر

۳- الطيور

۴- ما يحرم من الحيوان المذبوح

۵- التحريم الطارئ

کتاب اطعمه و اشربه

در کتاب اطعمه و اشربه پیرامون پنج مطلب بحث می شود:

أ- حیوانات دریایی

ب- حیوانات خشکی

ت- پرندگان (خشکی و دریایی)

ث- اجزای حرام از حیوان حلال گوشت

ج- حرمت عارضی بر حیوان حلال گوشت

افراد ما يحرم تناوله: ما يحرم تناوله تارة يكون من الحيوان و اخرى من غيره. و نقصر الحديث - خوف الاطالة - علی الاول.

انواع خوردنی های حرام:

چیزهایی که خوردن آنها حرام است، بر دو قسم می باشد: حیوانی و غیر حیوانی. برای طولانی نشدن بحث فقط به قسم اول بسنده می کنیم.

^۱ . در مورد اصالة الحل می توان به روایات دیگری هم استناد کرد مانند «کل شیء لک حلال حتی تعرف أنه حرام»، «و کل شیء مطلق حتی یرد فیه نهی».

و الحديث يقع تاره عن حيوان البحر، و اخرى عن حيوان البر، و ثالثة عن الطيور، و رابعة عما يحرم من الحيوان المذبوح، و خامسة عن التحريم الطارئ على الحيوان فى حالات معينة.

بحث از حيوان حرام گوشت در موارد زیر مطرح می شود:

بحث از حيوان دریایی، حیوان خشکی، پرندگان، اعضای حیوان ذبح شده و تحریمی که در بعضی حالات بر حیوان حلال عارض می شود.

۱- حیوان البحر

كل حيوان يعيش فى الماء محرم ما عدا قسمين: السمك الذى فلس^۱، و الطيور المائية.

حیوان دریایی

هر حیوانی که در آب زندگی می کند حرام است، مگر دو دسته از آنان: ماهی هایی که پولک دارند، و پرندگان آبی (دریایی).

و اذا شك فى وجود الفلّس بنى على الحرمة. اما اذا شك فى فلسية الموجود بنى على الحلية.

اگر شک کند آیا حیوان دریایی فلس و پولک دارد یا نه، بنا را بر حرام بودن گوشت او می گذارد و اگر شک کند که آنچه موجود است فلس است یا نه بنا را بر حلیت می گذارد.

و المستند فى ذلك:

مستند مطالب فوق:

۱- اما انحصار الحلية فى الحيوانات التى تعيش فى الماء بما تقدم فمرجه الى دعويين:

الاولى: حلية السمك الذى له فلس، و الطيور المائية.

الثانية: حرمة ما عدا ذلك.

منحصر بودن حلیت آبیان به ماهی های پولک دار و پرندگان دریایی به دو ادعا باز می گردد:

الف- حلیت ماهی پولک دار و پرندگان آبی

ب- حرام بودن غیر حیوانات پیش گفته

اما بالنسبة الى الدعوى الاولى فيدل عليها امران:

أ- التمسك بأصل الحل - الذى هو الاصل الاولى فى الاشياء - المستند الى مثل قوله تعالى: قل لا اجد فى ما اوحى

الىّ محرماً على طاعمٍ يطعمه إلا ان يكون ميتةً أو دماً مسفوحاً أو لحم خنزيرٍ.....^۲،

ادعای اول (یعنی حلیت ماهی پولک دار) با دو دلیل ثابت می شود:

^۱ . و قد عبّر عن الفلّس فى الروايات بالقشر.

^۲ . الانعام: ۱۴۵.

الف - اصاله الحل، که اصل اولی در اشیا بوده و مستندش نیز کلام خ داوند است . خداوند می فرماید: «بگو در آنچه به من وحی شده است چیزی را برای خورندگان حرام نمی یابم مگر این که میته یا خون ریخته شده یا گوشت خوک و ... باشد».

و قوله صلی الله علیه و آله: «رفع عن امتی... ما لا يعلمون»^۱، و غیر ذلک.

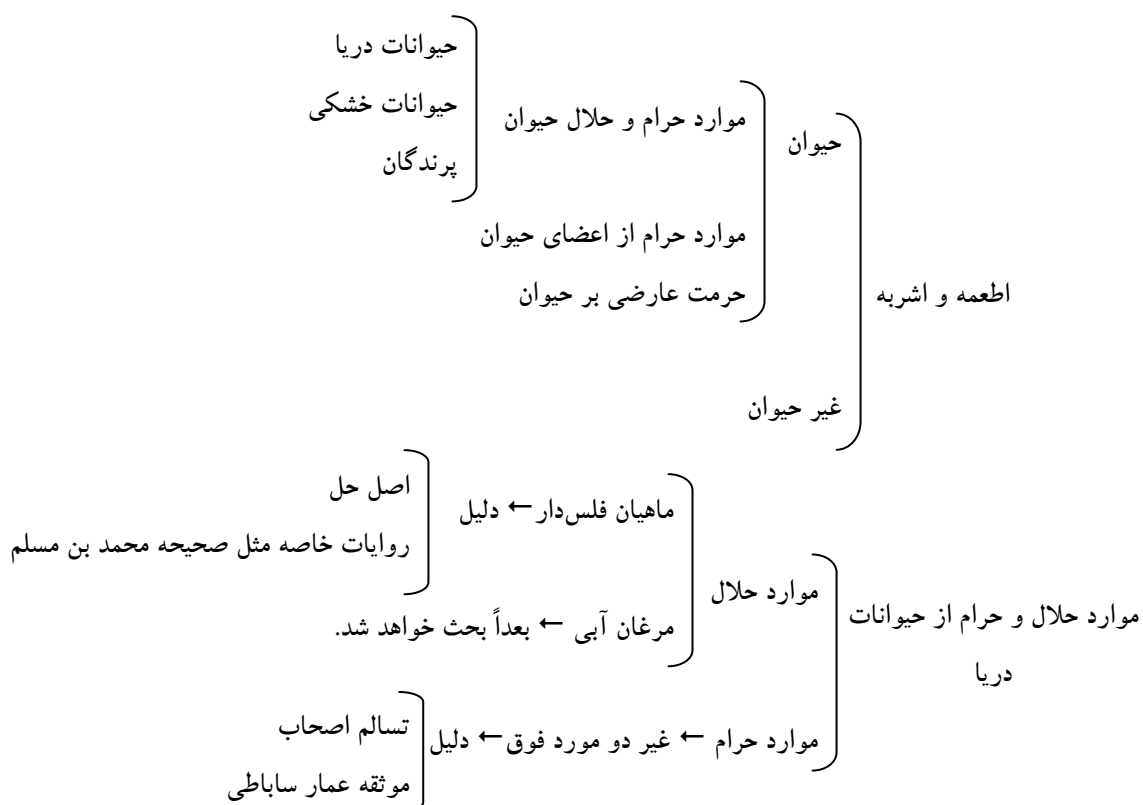
حدیث رفع نیز مستند دیگری برای اصاله الحل است^۲ که پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: «از امت من، چیزی که نمی دانند برداشته شد...»، و ادله دیگری نیز دال بر اصاله الحل است.

ب- الروایات الخاصة، کصحیحة محمد بن مسلم عن ابی جعفر (ع لیه السلام): «قلت له: رحمک الله انا نؤتی بسمک لیس له قشر فقال: کل ما له قشر من السمک، و ما لیس له قشر فلا تأکله»^۳ و غیرها.

ب- روایات خاص در مورد ماهی پولک دار مانند روایت صحیحه محمد بن مسلم ، که از امام محمد باقر (علیه السلام) پرسید: «برای ما ماهی هایی می آورند که پولک ندارد، امام فرمود: ماهیان پولک دار را بخور و بدون پولک را مخور» و غیر این صحیحه نیز بر مطلب دلالت دارد.

هذا بالنسبة الى السمک. و اما الطیور فیأتی التحدث عنها تحت عنوان الطیور إن شاء الله تعالی.

ادله مذکور درباره حلیت ماهیان بود، ولی نسبت به حلیت پرندگان آبی در بحث طیور اشاره خواهیم کرد.



^۱ . وسائل الشیعة، ج ۱۱، ص ۲۹۵، الباب ۵۶ من أبواب جهاد النفس، الحدیث ۱.

^۲ . رک: مصطلحات الفقه، مشکینی، ص ۲۱۷.

^۳ . وسائل الشیعة، ج ۱۶، ص ۳۹۷، الباب ۸ من أبواب الأطعمة المحرمة، الحدیث ۱.

قواعد ماهی
 اگر وجود فلس در یک نوع ماهی مشکوک بود ← حرام
 اگر چیزی که هست فلس بودن یا فلس نبودن آن مشکوک بود ← حلال

Sco1: 19:15

۲. حرام بودن سایر حیوانات دریایی

بحث دیگری که مطرح می شود حرام بودن سایر حیوانات دریایی یعنی ماهیان بدون پولک و غیر ماهی ها است؛ به عبارت دیگر، چرا حلیت حیوانات آبی منحصر به ماهیان پولک دار است. حیواناتی مانند قورباغه، خرچنگ، اسب دریایی و فوک چرا حرام هستند؟

تسالم اصحاب

حرمت این حیوانات مورد تسالم اصحاب می باشد. گرچه صاحب جواهر تمایل بعضی از متأخرین متأخرین^۱ نسبت حلیت آنها را ذکر کرده است. این حلیت به شیخ صدوق هم نسبت داده شده، اما اثبات نگردیده است.

موثقه عمار

برای اثبات حرمت غیر ماهیان می توان به موثقه عمار ساباطی^۲ تمسک کرد. وی از امام صادق (علیه السلام) درباره حکم ریثا^۳ می پرسد، امام می فرماید: «آن را نخور، آن را از جمله ماهیان نمی دانیم»، از این روایت استفاده می شود که هر چیزی ماهی نباشد حلال نیست؛ بنابراین اسب دریایی، شیردریایی، فوک دریایی، سگ دریایی و خرچنگ و امثال اینها که در دریا زندگی می کنند چون ماهی نیستند حلال نمی باشند.

اشکال

شاید اشکال شود که به روایتی تمسک شده است که مورد اختلاف است؛ زیرا در مورد ریثا روایت دیگری وجود دارد که خوردن آن را حلال می داند؛ مانند صحیح محمد بن اسماعیل، و وجه جمع بین دو روایت متعارض حمل نهی بر کراهت است؛ بنابراین ریثا مکروه می باشد. پس نمی توان با این روایت برای اثبات حرمت استدلال کرد. پاسخ این اشکال در درس بعدی مطرح خواهد شد.

تطبیق

و اما بالنسبة الى الدعوى الثانية فهى متسالم عليها بين الاصحاب و ان نسب صاحب الجواهر الى بعض متأخرى المتأخرين الوسوسة فى ذلك بل الميل الى الحل فى الجملة . و ربما ينسب ذلك الى الشيخ الصدوق أيضا و لكنه لم يثبت^۴

۱. در متون فقهی قرن سیزدهم، اصطلاح متأخری المتأخرین به فقهای بعد از شهید ی فقههای بعد از صاحب مدارک اطلاق شده است . مقدمه ای بر فقه شیعه ، سید حسین مدرسی، ترجمه محمد آصف فکرت، ص ۲۹-۳۰.

۲. فطحی ثقة است. مفید و شیخ ادعا کرده اند که اصحاب و علمای شیعه در عمل به روایات او اجماع دارند. احادیث وی دارای اضطراب است.

۳. آن نوعی ماهی خرد است به طول یک بند انگشت یا کمتر و مردم فارس و بنادر آن را موتو گویند.

۴. جواهر الکلام، ج ۳۶، ص ۲۴۳.

دلیل حرام بودن سایر آبزیان

دلیل بر ادعای دوم، یعنی حرمت آبزیانی که پولک ندارند، تسالم اصحاب بر حرمت است، اگرچه صاحب جواهر به برخی از متأخرین متأخرین نسبت داده که در حرام بودن آن شک داشته و بلکه به حلیت فی الجمله مایل شده- اند. به شیخ صدوق نیز آن را نسبت داده‌اند، ولی این نسبت ثابت نیست.

و علی ای حال یمكن التمسك لذلك بموثقة عمار بن موسى الساباطی عن ابی عبدالله (علیه السلام): «سألته عن الریثا فقال: لا تأكلها فانا لا نعرفها فی السمک یا عمار»^۱

به هر حال می توان به موثقه عمار بن موسی ساباطی از امام صادق (علیه السلام) تمسک کرد که از ریثا^۲ پرسید، امام فرمود: «آن را نخور، ما آن را به عنوان ماهی نمی‌شناسیم».

ان قلت: ان الریثا التي هی مورد الموثقة قد وردت روایات تدل علی حلیتها من قبیل صحیحة محمد بن اسماعیل بن بزیع: «کتبت الی ابن الحسن الرضا (علیه السلام): اختلف الناس علی فی الریثا فما تأمرنی به فیها؟ فکتب (علیه السلام): لا بأس بها»^۳ و لازم ذلک حمل النهی عن أكلها علی الکراهة، و معه فکیف یتمسک بالتعلیل؟

اگر گفته شود: برخی از روایات بر حلیت ریثا که این موثقه آن را حرام دانسته دلالت می کند؛ مانند صحیحه محمد بن اسماعیل بن بزیع که به امام می نویسد: «مردم در حکم ریثا پیش من اختلاف کرده اند نسبت به آن چه دستوری می‌فرمایید؟ امام فرمود: اشکالی در آن نیست». لازمه این روایت این است که نهی در موثقه را بر کراهت حمل کنیم، در این صورت چگونه به تعلیل آن می‌توان تمسک کرد؟ (یعنی مورد این روایت، حرمت نیست، پس چگونه می‌توان برای اثبات حرمت به تعلیل این روایت استدلال کرد؟)

دلیل حرمت سایر آبزیان
۱. اتفاق اصحاب بر آن.
۲. موثقه عمار بن موسی ساباطی (یعنی غیر ماهیان پولک دار)

Sco2: 30:11

۱. وسائل الشیعة، ج ۱۶، ص ۴۰۸، الباب ۱۲ من أبواب الأطعمة المحرمة، الحدیث ۴.

۲. غالباً از خلیج فارس و اطراف تنگه هرمز صید می شود و بومیان آنجا آن را خشک کرده و می‌خورند. رک: تبصره المتعلمین فی احکام الدین، ابوالحسن شوانی، ج ۲، ص ۶۳۴؛ ترجمه من لایحضر، غفاری صدر، ج ۴، ص ۴۶۶-۴۶۷.

۳. وسائل الشیعة، ج ۱۶، ص ۴۰۷، الباب ۱۲ من أبواب الأطعمة المحرمة، الحدیث ۳.

چکیده

۱. حیواناتی که در آب زندگی می‌کنند به جز دو دسته زیر حرام هستند:

الف) ماهی پولک‌دار

ب) پرندگان آبی

۲. اگر در وجود فلس شک گردد بنا بر حرمت گذاشته می‌شود و اگر در فلس بودن آنچه موجود است شک شود بنا بر حلیت ماهی گذاشته می‌شود.

۳. دلیل حلیت ماهی پولک‌دار اصالة الحل و روایات خاصه است.

۴. دلیل حرمت غیر ماهی پولک‌دار اتفاق اصحاب و موثقه عمار بن موسی سابطی است.